

## بسم الله الرحمن الرحيم

### موضوع : حالات اسم جنس ؛ دخول تنوین بر اسم جنس

بحث بعدی بحث از حالات اسم جنس است ؛ اگر ذات اسم جنس را نگاه کنیم با قطع از نظر تنوین و یا لام تعریف مثل انسان برای ماهیت مهمله وضع شده است که برای اطلاق و تعریف و تنکیر و تقیید صلاحیت دارد ولی در موارد استعمال بر اسم جنس لام تعریف یا بعضی از مواقع نون تنوین وارد می شود و بعضی از اسماء جنس هم علم قرار داده شده است که اینها حالات مختلف اسم جنس است و معنای آن با دخول امور دیگری کمی عوض می شود یا چیزی بر آن اضافه می شود علمای ادبیات هم این مباحث را دارند.

نسبت به حالت اول که حالت دخول تنوین بر اسم جنس است معروف بین ادباء<sup>۱</sup> این است که تنوین دو نوع است ؛ یکی تنوین تنکیر است و دیگری هم تنوین تمکین ؛ تنوین تنکیر بر نکره و مردد بودن فردی که تنوین بر آن وارد شده است دلالت می کند و از آن فرد لامعین و مردد استفاده می شود اما تنوین تمکین برای مجرد تمکین از اعراب است و از آن نکارت و تردد و لابعینیت استفاده نمی شود و هر کدام از این دو نوع مثالهای زیادی دارند

۱ مغنی اللیب ؛ ج ۲، ص ۳۴۰ و علوم العربیة ؛ ج ۲ ، ص ۵۶۷

مثلاً (اکرم رجلاً) و (اعتق رقبةً) و (رایت لئیمًا) تنوین آنها تنکیر است و نکره هستند که معنای آنها یک نفر مردد و نکره است که مستلزم وحدت و اراده فرد واحد و لابعینه است و لیکن آیه (وَ أَنْزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا)<sup>۲</sup> منظور از آن یک «ماء» مردد نیست و مثل (رایت رجلاً) نیست که دال بر بدلیت و فرد مردد است بلکه در اینجا مقصود جنس «ماء» است و همچنین مثال «رجلٌ خیرٌ من مرأه» لذا تنوین آن برای تمکین است نه تنکیر و این دو معنا در این موارد وجدانی است و لذا این تقسیم بندی در کلمات ادباء هم کم و بیش آمده است و آنها نیز فی الجمله بین این دو نوع تنوین فرق را احساس کرده اند بنابراین اصل این تقسیم بندی در لغت موجود است و در این بحث اصولی بحث شده است که وقتی تنوین تنکیر داخل شد چه اتفاقی می افتد که اطلاق بدلی شده و شمولی نمی شود و تنوین تنکیر شمولیت را از بین می برد و هم چنین تعیین را هم از بین می برد و تردید و نکارت افاده می شود است ولذا اسمش را تنکیر گذاشتند زیرا که هم بر لا بعینه بودن دلالت دارد و ضد تعیین است و هم دال بر بدلیت و ضد شمولیت است .

بحث شده است که چرا ضد شمولیت است؟ گفته شده است که به این جهت ضد شمولیت است که تنوین تنکیر بر نکره و لا بعینه بودن یک فرد دلالت دارد پس قید وحدت از آن استفاده می شود و این با شمولیت قابل جمع نیست چرا که شمولیت خلف اراده فرد واحد است و این قید وحدت با شمولیت قابل جمع

<sup>۲</sup> سوره الفرقان؛ آیه ۴۸

نیست بخلاف تنوین تمکین که در آن نکارت اخذ نشده است قهراً  
وحدت هم اخذ نشده است پس با شمولیت قابل جمع است .  
این تحلیل اصولی از این تقسیم بندی ادبی در معنای تنوین تنکیر  
بود لذا گفته می شود هر جا تنوین مانع از شمولیت اسم جنس  
نباشد تنوین تمکین است مثل جایی که ادوات عموم بر اسم  
جنس منون وارد بشوند مثل **(اکرم کل عالم)** که این تنوین تمکین  
است و قید وحدت ندارد و لذا با دخول « کل » و شمولیت  
منافاتی ندارد .

اشکالاتی در کلمات بعضی از اصولیین مثل مرحوم آغا ضیا رحمته الله<sup>۳</sup> و  
غیره در اینجا شده است و شهید صدر رحمته الله<sup>۴</sup> اجمالاً نقل می کند  
که هم اشکال حلی شده است و هم اشکال نقضی .

**اشکال حلی** : خود مفهوم وحدت یا واحد اسم جنس است و  
شمولیت در واحد هم معقول است مثلاً **(اکرم کل واحد من  
العلماء)** و وقتی این مفهوم قابل شمول ، به اسم جنس اضافه  
شود دیگر نمی تواند مانع از شمولیت آن بشود

**اشکال نقضی** : در بعضی جاها در اسم جنس با تنوین تنکیر  
شمولیت استفاده می شود مثل نکره در سیاق نفی یا نهی مثل  
**(لا تکرّم فاسقاً)** که با وجود تنوین تنکیر باز هم شمولیت فهمیده  
می شود فلذا تنوین تنکیر و وحدت منافاتی با شمولیت ندارد

شهید صدر رحمته الله می فرماید این دو اشکال قابل دفع است

---

۳ نهاية الافکار؛ ج۲، ص: ۵۶۲ و مقالات الاصول ؛ ج۱، ص: ۴۸۹  
۴ بحوث فی علم الاصول ؛ ج۳، ص: ۴۳۳

**پاسخ اشکال حلی :** مقصود از واحد به نحو معنای حرفی است نه واحد به معنای اسمی مقابل کثیر ، و جز کثیر هم هست که اسم جنس است یعنی واحدی که به نحو معنای حرفی حالت وحدت و حدّ وحدت در آن لحاظ شده باشد نه به این معنا که بشرط لا از انضمام چیز دیگری باشد بلکه به این معنی که از ناحیه اسمی که مرکب از ماده و هیئت تنوین است این ماده و این هیئت اقتضای صدق بر بیش از واحد را بدلاً و تخیراً ندارد و این معنا با شمولیت منافات دارد بخلاف اسم جنس که تنوین تنکیر ندارد یا لام جنس دارد لذا مفهوم « **جائنی عالم** » بر دو عالم به طور هم عرض قابل صدق نیست البته بدلا قابل صدق است که همان نکارت است و لا بعینیت است پس این مفهوم در تنوین تنکیر به نحو معنای حرفی اخذ شده است و این معنا مناقض با شمولیت و صدق بر افراد و حصص متعددی باهم و جمعا است بخلاف تنوین تمکین یا اسم جنس معرف باللام .

**پاسخ اشکال نقضی :** دفع اشکال نقضی هم به این است که شمولیت - که نکره در سیاق نفی یا نهی است- دو شمولیت است یک شمولیت در امثال متعلق نهی و نفی است که مثلاً عرض شد این شمولیت نیست بلکه لازمه عقلی انتفای طبیعت است حتی اگر به نحو صرف الوجود و با قید وحدت لحاظ شود زیرا که باید همه افرادش را ترک کند تا آن معنی ترک شود و این بالدقه شمولیت نیست بلکه لازمه عقلی ترک یا نفی طبیعت است که انتفایش و ترکش تکوینا این گونه است که باید تمام

مصادیقش ترک شود و این با اخذ قید وحدت در تنوین تنکیرمنافاتی ندارد .

نسبت به خود حکم هم یک انحلالیت دیگر در نواهی استفاد می شود که نهی هم متعدد می گردد و فرد دوم بعد از فرد اول هم باز حرام مستقلی است و نکته این شمولیت هم انحلالیت ملاکات مفسد در افراد طولی است و ربطی به تنوین ندارد اساساً تنوین بر حکم هم داخل نیست بلکه داخل بر متعلق یا متعلق متعلق است بنابر این نقض هم وارد نمی شود فلذا نه نقض وارد است و نه اشکال حلی.

**نتیجه :** حاصل این که در موارد تنوین تنکیر اطلاق اسم جنس بدلی بوده و شمولی نخواهد بود به جهت دلالت بر واحد لابعینه و در موارد استفاده شمولیت از اسم جنس با تنوین ، تنوین مذکور تنوین تمکین خواهد بود .